

ندای اصفهان

درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی: شرط هفتم وجوب قصر نماز - مسئله 45، 46، 47 و 48

کد خبر: 133923

10 فروردین 1400 در ساعت 9:11 ق.ظ

ندای اصفهان - حجت الاسلام جواد جلوانی

(مدرسه علمیه صدر بازار اصفهان)

در ادامه تقریر درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی (زید عزه) و حواشی بر کتاب عروه الوثقی مورخ سه شنبه ۵/۱۲/۹۹ که در ایام کرونا به صورت مجازی برگزار شده است، به نظر طلاب و اساتید می رسد.

جهت دریافت دروس قبلی اینجا را کلیک کنید.

کتاب الصلاة - فصل فی الصلاة المسافر - احکام نماز مسافر - شرط هفتم وجوب قصر نماز - مسئله ۴۵، ۴۶، ۴۷ و ۴۸

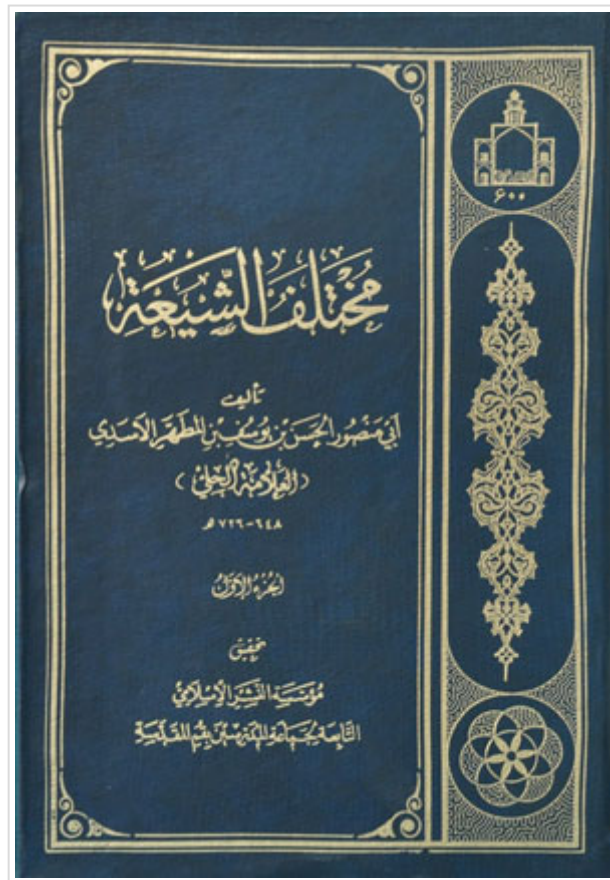
بسم الله الرحمن الرحيم. بحث در مسئله ۴۴ مکاری و جمال بود که نمازشان را در سفر کامل می خوانند مگر موقعی که جدیت در سیر داشته باشند. چندین روایت از باب ۱۳ بود که می گفت آن وقت که جدیت دارند نمازشان را شکسته بخوانند. ظاهراً یک نوع لطف از طرف پروردگار هست برای جبران جدیت این ها که خسته می شوند و سفر بیشتری را از مقدار متعارف طی می کنند. در مورد جدیت در سفر هم دو معنا گفته شده، یکی معنایی که مرحوم کلینی و به تبعشان شیخ طوسی می گویند و آن این است که در منزل اول توقف نمی کند و تا منزل دوم می رود، دو منزل را یک مرتبه انجام می دهد. معنای دوم که معنای مختار بود این بود که بیش از مقدار متعارف حرکت بکند ولو به دو منزل پشت سر هم نرسد.

سه مطلب را در اینجا باید عرض بکنیم؛

نکته اول: گفتیم جدیت یک معنای عرفی دارد که در روایت آمده و تفسیری از آن نشده پس باید حمل بر معنای عرفی بکنیم که همان «زیاده السیر علی قدر المتعارف» هست به نحوی که «یقال إنه یحصل منه جدّ و المشقة و إن لم یبلغ جمع المنزل منزلاً». روایات را مقداری خواندیم و در روایت یک از باب ۱۳ (ص ۵۱۹) فرمودند «المکاری و الجمال اذا جدّ بهما السیر فالیقصر» روایات سندش هم سند صحیح و خوبی بود. روایت دوم هم باز همین طور فرمودند «اذا جدّوا السیر فلیقصر» و همچنین حدیث چهار و حدیث پنج.

منتها بسیاری از بزرگان این جدیت در سیر را قبول ندارند و می گویند این مکاری چه جدیت داشته باشد و چه نداشته باشد نمازش تمام است. برای این روایت ها هم توجیهات گوناگونی دادند که وقتی نگاه می کنیم؛ می بینیم پذیرفته نیست. مثلاً علامه حلی در کتاب «مختلف الشیعه فی احکام الشریعه» دارد این که برای جدیت در سیر گفتند نمازش شکسته است منظور آن

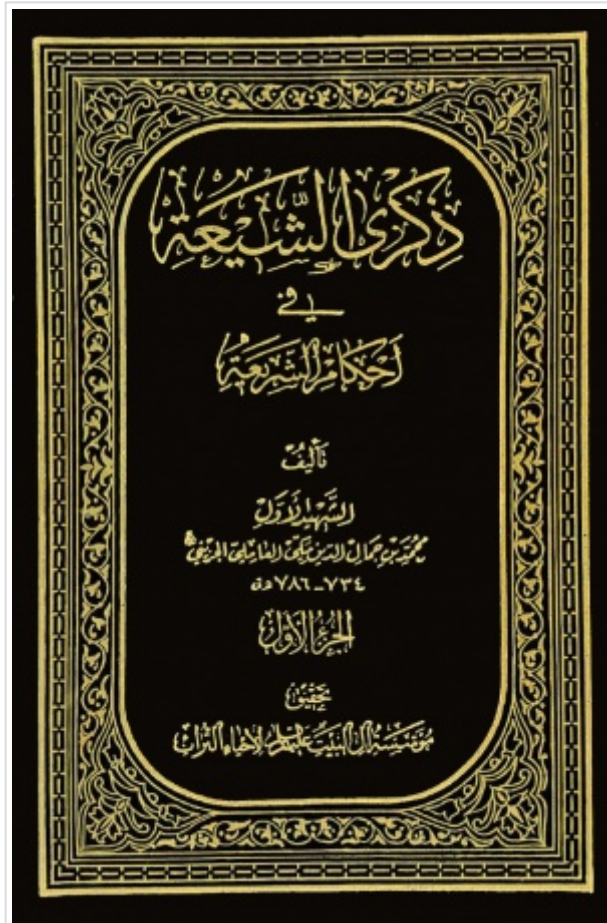
مکاری یا جمالی است که سفری غیر از سفر کرایه دادن حیوان برایش به وجود بیاید، بنابراین در آن سفر نمازش تمام است. بعد آن جدیت را حمل بر این کردند گفتند یک سفر دیگر مثلاً برای زیارت جداگانه می‌رود و در آن جا جدیت می‌کند که آن نمازش شکسته است.



خیلی کلامشان بعید هست و با ظاهر پنج روایتی که موجود است نمی‌خواند. علتش هم این است که در روایات استثنا زده از مواردی که مکاری نماز را تمام می‌خواند و ظاهر استثنا استثنای متصل است نه منقطع و ما نمی‌توانیم دست از ظهور برداریم مگر این که دلیل قطعی داشته باشد و دلیل قطعی هم نداریم. اگر دلیل قطعی برخلاف ظاهر داشتیم این کار را می‌کردیم اما الان که نداریم باید اخذ به ظاهر بکنیم. ظاهر روایت این است که مثلاً در حدیث یک از همین مکاری و جمالی که اصل موضوع ما است سخن می‌گوید و دیگر نمی‌گوید غیر از آن سفر مکاری یک سفر دیگر هم انجام بدهد.

در کتاب دیگری توجیه دیگری کرده و گفته‌اند مراد از این که نماز را شکسته بخواند برای جایی است که این آقای مکاری قبل از تحقق کثرت قصد مسافت بکند، یعنی هنوز کثرت سفر برایش محقق نشده آن سفر اول را دارد می‌گوید شکسته بخواند. ایرادی که به ایشان هست اینکه این باز خلاف ظاهر استثنا است؛ اگر کلامتان بخواهد درست باشد باید برعکس باشد یعنی اول باید قول به قصر را بگوید و بگوید در سفر اول مکاری و جمالی شکسته می‌خواند و اصلاً اشکال دیگری هم در این حرف هست که دیگر نیازی به جدیت نداشت، چه قبل از تحقق کثرت جدیت باشد و چه نباشد نمازش را باید شکسته بخواند.

نکته دوم: توجیهی است که شهید اول در کتاب «ذکری الشیعه فی احکام الشریعه» کرده است و گفتند «اینکه گفته جدیت برای آنجایی است که مکاری دون المسافت حرکت بکند»، که ما این را در بحث امروز اگر فرصت شد به آن می‌رسیم که همیشه مکاری برای دون المسافت کرایه می‌داده مثلاً برای ۲۰ کیلومتری یا ۱۵ کیلومتری کرایه می‌داده بعد این روایت‌ها می‌گوید جدیت در سیر منظور آنجایی است که قصد مسافت بکند، آن وقت اگر این طور باشد آنجایی که دون المسافت است پس نماز تمام است و یک بار که سیرش را با مسافت جلو می‌رود باید شکسته بخواند.



انصافاً خیلی فکر کردند که این توجیهات را بکنند. توجیهاتی است که به این زودی به ذهن کسی خطور نمی‌کند اما این توجیه ذکر می‌هم هدم آن چیزی است که بزرگان به سمت او رفتند و آن این است که مکاری در مادن المسافت معلوم است که باید نمازش را تمام بخواند اصلاً لازم نیست صدق مکاری رویش بیاید.

فرض کنید مکاری هم نباشد، وقتی ۱۵ کیلومتر می‌رود اصلاً شرط مسافت ندارد. برای چه نماز شکسته بخواند؟ اصلاً کسی توهم این را نمی‌کند که حتماً چون مکاری هست دارد نمازش را تمام می‌خواند.

خلاصه این توجیهات هیچکدام به ظاهر روایت نمی‌خواند و عنوان مکاری مستثنی بعد از صدق سفر است و بعد از این که مسافت را دارد طی می‌کند. ظاهر روایت این است که بعد از این که کرایه می‌دهد برای ۳۰ کیلومتری یا ۵۰ کیلومتری و مرتب می‌رفته اما چون مکاری بوده نمازش تمام بوده، حالا روایت در استثنا می‌گوید مگر این که جدیت داشته باشد آن وقت دیگر نمازش شکسته می‌شود.

در واقع این بزرگان یک امر قطعی در ذهنشان بوده و آن این است که این جدیت سیر را نمی‌خواستند که استثنا بزنند چون این یک امر قطعی در ذهنشان بوده و می‌خواستند نماز مکاری را دائماً بگویند که کامل است. آن وقت در این جدیت در سفر مشکل برخورد کردند و خواستند این پنج روایت را توجیه بکنند. عرض کردم توجیه درجایی است که ما یک اجماع و یک دلیل قطعی برای مکاری داشته باشیم که مکاری دائماً نمازش کامل است ولو با جدیت در سفر. آن وقت این پنج روایت را توجیه می‌کنیم و الا این که می‌گوییم قدما چنین کاری نکردند لذا باید خودمان تابع ظاهر روایت باشیم.

نکته سوم و آخرین نکته که در بحث گذشته باقی ماند این است که طول سفر یا کوتاهی سفر به شخص مکاری ضرر نمی‌زند برای این که نمازش را تمام بخواند. حالا فرض کنید دو ماه سه ماه شخص در سفر بود به خصوص در سفر حج که گاهی طول

می‌کشید، تنها چیزی که ما استثنا می‌زنیم این است که اگر ده روز اقامت در منزل خودش یا در غیر منزل خودش کرد، این را قبلاً روایتش را خواندیم که اگر ده روز ماند بعد اولین سفری که می‌رود چه ذهاباً و چه ایاباً نماز شکسته می‌شود.

لذا معتبر نیست تحقق کثرت لتعدد السفر یا مرتین که بعضی ذکر کردند. علتش این است که امام معصوم (ع) عدد تعدد را ذکر نکردند لذا همین که در آن روایت گفتند که وقتی بعد از اقامت حرکت می‌کند نمازش شکسته است، در آن روایتی که خواندیم کلام امام (ع) بر قدر متیقن حمل می‌شود و قدر متیقن همان اولین سفری است که دارد حرکت می‌کند و دیگر بیشترش را ما شک داریم که امام می‌خواستند بگویند باز هم نمازش شکسته باشد.

بنابراین کلام سید محمد کاظم یزدی در آخر مسئله قبلی درست نیست. صاحب عروه فرمودند صدق در اثناء سفر واحد ملحق به تمام می‌شود، اگر صدق کرد (ولو یک سفر است)، اگر صدق کرد که ایشان مکاری هست و دارد سفر می‌کند و می‌رود و می‌آید این را گفتند ملحق به تمام می‌شود. بعد فرمودند اگر صدق تحقق نمی‌شود آن وقت معتبر است که تعدد باشد تا نمازش تمام بشود.

کلام ایشان اولاً اجتهاد در مقابل نص است و نص می‌گوید وقتی اقامت کرد دیگر در سفر اولش باید شکسته بخواند، اما اشکال بزرگ دیگری که عبارت ایشان دارد این است که کلام ایشان مجمل است؛ همین طور بگوییم اگر صدق کرد یا صدق نکرد این گونه سخن گفتن مناسب برای مقلدین و توده‌های مردم نیست، اگر اینطور در رساله نوشته بشود نتیجه این است که هر کسی به فهم خودش برخلاف دیگری اخذ می‌کند، آن می‌گوید به نظر من مجتهد من اینطوری گفته و دیگری ضدش را انجام می‌دهد و می‌گوید که آن را گفته است. آن وقت مسئولیت بر گردن مرجع تقلید هست که صحبتی کرده و می‌داند که مردم نمی‌توانند چیزی از این عبارت بفهمند.

علی‌ای حال اصل ایراد همان بود که گفتم نص خلاف این را می‌گوید؛ نص می‌گوید وقتی که اقامت کرد در وطنش یا در غیر وطنش ده روز بماند سفر بعدی که می‌رود نماز شکسته است.

مسئله ۴۵: این مساله را قبلاً هم اشاره داشتیم منتها باز یک ایراد جزئی در عبارت کتاب عروه هست که عرض می‌کنم. می‌فرمایند اگر مکاری که شغلش سفر است و مرتب حیوانات خودش را کرایه می‌دهد استثنائاً یک سفری انجام بدهد که دیگر جزء عملش نباشد (مثلاً مسافرت برای حج و زیارت بکند)، در آن سفر باید نمازش را شکسته بخواند، مگر این که همان حج و زیارتش را من حیث عمله انجام بدهد، یعنی در همان سفر هم شترهایش را کرایه بدهد و همان کار دائمی خودش را انجام بدهد اما خودش هم حج را به تبع انجام می‌دهد در این صورت می‌فرمایند باید نماز را تمام بخواند.

در فرمایش ایشان **دو مسئله** هست.

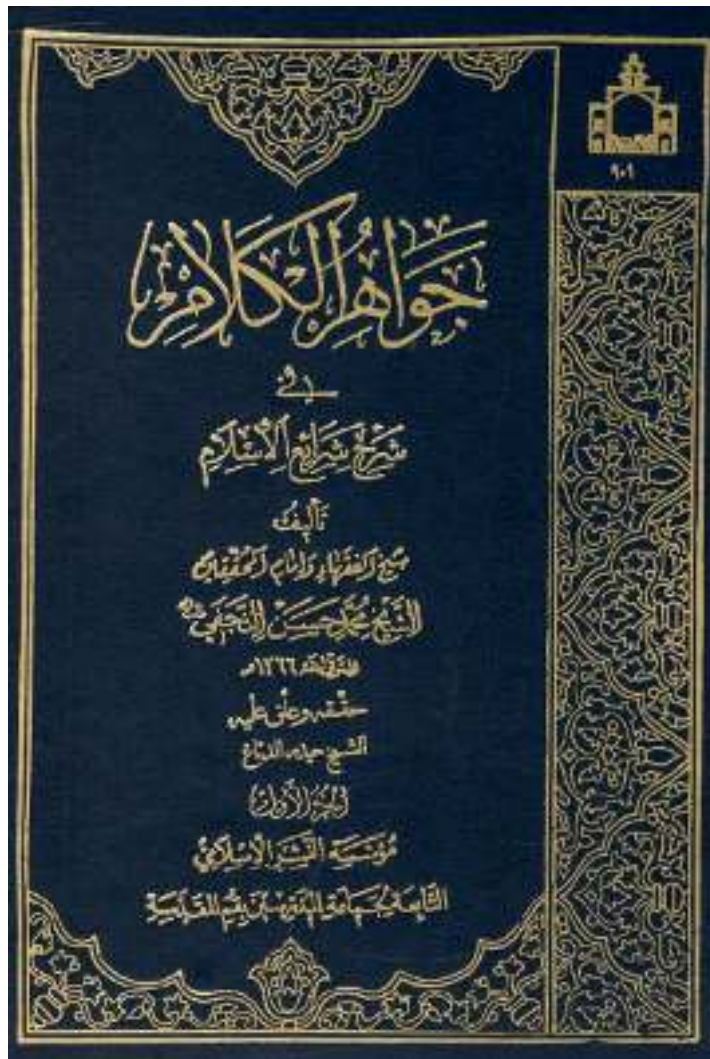
نکته اول: تمامیت صلاه برای مکاری است این را باید بگوییم ادله مقصور است بر آنجایی که صدق مکاری بر آن بکند مثلاً موضوع ما موضوعش مکاری است و تعلیل هم همین بود. بنابراین اگر مکاری استثنائاً یک سفری انجام داد که دیگر چیزی کرایه نمی‌دهد و خودش به عنوان زائر حرکت می‌کند و می‌خواهد برود حج انجام بدهد، ادله‌ای که می‌گفت مکاری باید نمازش را کامل بخواند از این مورد منصرف است. لذا دیدم بعضی مراجع حکم به تمام داده اند و کثرت فعلیه را مطرح می‌کنند اما قبلاً هم در آن سه تعلیل عرض کردیم که تعلیل اول کثرت استقلالی ندارد بلکه کثرت به قید این که مکاری باشد و لذا گفتیم اگر کثرت باشد ولیکن کثرت در زیارت باشد نماز شکسته است. مطلبی که در گذشته گفتیم این نتیجه از آن فهمیده می‌شود.

نکته دوم: ایراد به قسمت دوم عبارت سید هست که می‌فرمایند «اگر این آقا در همان سفری که حج و زیارت انجام می‌دهد باز عمل مکاری خودش را داشته باشد و زیارت حج تبعی باشد پس نمازش را باید تمام بخواند». این کلام ایشان درست است لکن یک استثنا دارد که فرمودند؛ استثنا این است که اگر این آقای مکاری خدمه بر دواب خودش داشته و به ندرت خروجش با دوابش بوده، یعنی در طول سال مکاری بودنش به واسطه خدمه خودش بوده است که آن‌ها قائمین بر دواب بودند و به آن‌ها می‌گفته شما بروید اما کرایه دهنده دواب خودش است که با حیوانات خودش حرکت نمی‌کرده.

چنین کسی سؤال از امام دهم (ع) سوال کرد؛ قبلاً خواندیم که محمد بن جزک بود در حدیث چهار باب ۱۲ (ص ۵۱۸) از امام سوال کرد گفت من حیواناتم را کرایه می‌دهم اما خودم همراهشان نمی‌روم، کسان دیگری را دارم، خدمه‌ای که آن‌ها را به دنبال حیوان‌ها می‌فرستم (مثل کسی که امروزه خودرو را اجاره می‌دهد اما خودش همراه خودرو نمی‌رود و پسرش یا شخص دیگری را به دنبالش می‌فرستد). حضرت فرمودند اگر تو ملازمت با شترها نداری و در هر سفری همراه این حیوانات نمی‌روی به جز سفر مکه، حالا موسم حج رسیده و به خاطر حج راه می‌افتی، این را فرمودند نمازش شکسته است و روزه‌اش را باید افطار کند. این استثنا را این‌جا لازم است که داشته باشیم اما نه سید استثناء را زدند و نه مراجع از این نکته یاد کردند.

مسئله ۴۶: بعضی‌ها حمله‌دار هستند، حمله‌دارهایی که امروزه به آن‌ها مدیر کاروان می‌گوییم. این‌ها مدیر کاروان حج یا عمره هستند سالی یک‌بار مثلاً حج می‌روند و دو بار یا سه بار ممکن است عمره بروند، سفر در خصوص حج می‌روند و نمازشان ظاهراً شکسته است، به خلاف کسی که مدیریت کاروان شغل و عمل او در تمام سال باشد. مثلاً آن کسانی که دواب خودشان را از مکان‌های بعیده برای رفت و شد مرتب کرایه می‌دهند به طوری که تمام سال و موضع سال را در نظر می‌گیرد آن‌ها باید کامل بخوانند اما مدیرها نه.

این فرمایش از مسئله ۴۶ «جواهر الکلام» اتخاذ شده که ایشان می‌فرمایند مدیر کاروان واجب است مثل بقیه اهل کاروان نماز را شکسته بخواند به خاطر اینکه نه مکاری بر او صدق می‌کند و نه تعلیلی که در روایت ذکر می‌کرد آن تعلیل هم شامل این نمی‌شود و فقط موسم حج دارد این کار را می‌کند.



جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام اثر مرحوم محمدحسن نجفی (معروف به صاحب جواهر)

ظاهر آن تعلیل استمرار داشت یعنی بگویند این آقا کارش این است و همچنین عبارتی که در روایت گفته «المکاری و الجمال الذی یختلف» این یختلف فعل مضارع است و دلالت بر استمرار داشت و بعد از آن هم می گفت «لیس له مقام» این عبارت عرفاً دلالت بر تکرر ذهاب و ایاب دارد و اینها وقتی است که تمام سال عمل او باشد و لذا این که هر سال ایام ذی قعدة و ذی حجه به مکه برود این موجب نمی شود که بگوییم عنوان مکاری یا آن تعلیل بر او صدق می کند چراکه یک فاصله بین حجین هست، مکه که می رود و می آید وقتی ذی حجه می آید در وطنش می ماند و مشغول کارهای دیگر هست تا ده ماه دیگر که بخواهد مجدداً خودش را برای سفر حج بعدی آماده بکند؛ لذا او نمازش شکسته است.

اما اگر عملش مستمر در طول سال باشد و در طول سال مرتب عمره و عتبات می رود و مرتب زیارت می رود، اگر چنین کسی است که شغل مکاری و عمل برای او صدق بکند آنگاه نمازش تمام است مگر آن استثنایی که گفتیم. باز می گوییم اگر چنین شخصی کسانی را دارد که آنها قائم بر دوازش هستند و خودش عملش این نیست که همراه اینها برود اما در موسم زیارت راه می افتد و مثلاً به کربلا و حج می رود، این شخص باید نمازش را شکسته بخواند چنان که در حدیث محمد بن جزک داشتیم.

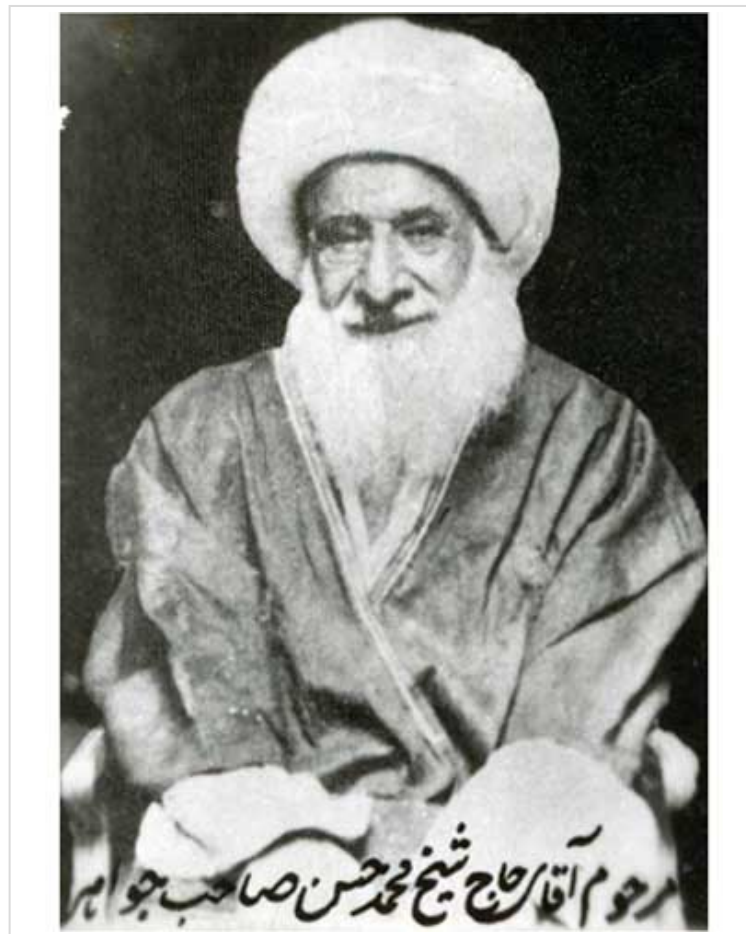
مسئله ۴۷: کسی که شغل او مکاری است و در ایام زمستان دیگر این عمل را ندارد یا بالعکس در ایام زمستان شغل مکاری دارد و تابستان ندارد. ظاهر آن است که به خاطر این شش ماهی که دارد بر او تمام واجب است ولیکن احوط استحبابی آن است که جمع

بخواند.

در این فرمایش ما سه مطلب داریم.

نکته اول: دلیل اینکه می‌گفت مکاری نماز را باید تمام بخواند بر مدار صدق موضوع بود؛ یعنی می‌گوییم هذا مکاری یا تعلیل که لائّه عملهم یا آن کلمه یختلف ایاباً و ذهاباً متکراً که اگر این‌ها را نگاه بکنیم برای کسی که شش ماه مرتب دارد سفر می‌کند واجب است که تمام بخواند. منتها یک احتمالی داده می‌شود که می‌گوییم متیقن از مکاری کسی است که شغلش در تمام سال یا مثلاً ده ماه این چنین مکاری باشد لذا در جواهر ایشان می‌گویند احوط جمع است و این احوط را سید هم پذیرفتند منتها به نحو استحبابی.

نکته دوم: آیت الله العظمی حکیم ایراد به صاحب جواهر گرفتند و گفتند وجهی نیست برای این که ما اکتفا به قدر متیقن بکنیم؛ چرا؟ می‌گویند اطلاق دلیل که می‌گوید مکاری باید نمازش را کامل بخواند و وقتی اطلاق داریم دیگر نباید به متیقن اکتفا بکنیم.



به آقای حکیم عرض می‌کنیم که این فرمایشتان برخلاف قاعده‌ی اصولی است. قاعده اصولی می‌گوید اخذ به اطلاق سه مقدمه حکمت دارد و یکی این است که قدر متیقن در مقام تخاطب وجود نداشته باشد و خود شما تصریح می‌کنید که اینجا قدر متیقن هست و باز هم اخذ به اطلاق می‌کنید بلکه بعکس است و باید می‌گفتید که وجود قدر متیقن در خطاب مانع از اطلاق گیری می‌شود. اینجا قدر متیقن کسی است که یک سال مکاری است یا مثلاً ده ماهش مکاری است، پس دیگر نباید به اطلاق دلیل عمل بکنیم. اما ما چه می‌گوییم؟ می‌گوییم اطلاق دلیل نه ظهور به دلیل. ما برای این که واضح‌تر حرف بزنیم می‌گوییم دلیل ظهور دارد بر اینکه موضوع هرگاه صدق کرد و تعلیل هم صدق کرد و آن «الذی یختلف و لیس له مقام» وقتی این‌ها صدق می‌کند دیگر نمازش تمام است.

نکته سوم همان مطلبی است که بارها گفتیم و آن این است که بعید نیست بگوییم واجب است در سفر اول شکسته بخواند. سفر اول منظورمان آنجایی است که اقامه ده روز در وطنش یا غیر وطنش بکند بعد که حرکت بکند آن سفر اولش شکسته است، بعد از سفر اول دیگر تمام می خواند. آن استحباب جمع هم اشکالی ندارد و این که بگوییم مستحب است و این که حکم همین بود که عرض کردیم سفر اول شکسته و سفرهای بعد تمام است و شش ماه زمستان و تابستان هم تفاوتی در این جهت نمی کند.

مسئله ۴۸: این را هم مختصراً بخوانیم. کسی که تردد به مادون مسافت عمل او بوده، مثلاً مرتب تا ده کیلومتری مادون المسافت هیزم جمع می کرد، حالا اگر یک سفری کرد ولو برای جمع آوری هیزم استثنائاً چهار فرسخی رفت، این را می گویند نمازش را باید شکسته بخواند. سید می فرمایند مگر این که عرفاً مسافت بر او صدق بکند یعنی همان مواقعی که ده کیلومتری می رود به او می گفتند که این آقا مسافر است ولو در حد مسافت شرعی نمی رفته است اگر صدق مسافر بوده حالا که چهار فرسخی می رود ممکن است بگوییم که نمازش تمام است خصوصاً اگر برای احتطاب برود. این فرمایش سید هست.

به کلام ایشان ایراد داریم و آن نکته این است که بارها عرض کردیم که اگر خطاب برای جمع آوری هیزم مسافرت کرد در سفر اول نمازش شکسته است اما بعد از سفر اول می گوییم نماز را تمام می خواند و اما آنجایی که مسافرتش به مادون مسافت هست، هر روز تا ده کیلومتری می رفته، اصلاً این را نباید بگوییم که ادله شاملش می شود. لذا این که سید گفتند «مگر این که صدق مسافر بر آن بکند»، بکند یا نکند فرقی نمی کند این که تا ۱۰ کیلومتری، ۱۵ کیلومتری می رود اصلاً ادله شاملش نمی شود لذا نمازش تمام است و وقتی مسافرت می کند و یک روز تا چهار فرسخی می رود نمازش شکسته می شود مگر در سفر بعدی برای احتطاب مسافرت بکند و بگوید برای هیزم جمع کردن است که در سفر دوم نمازش را تمام می خواند.

انتهای پیام/

برچسب ها: آیت الله سید محمد کاظم یزدی، درس خارج فقه، سفر، سید ابوالحسن مهدوی، شغل، شهید اول، علامه حلی، مسئله، نکته، نماز مسافر

برگرفته از ندای اصفهان: <https://nedayeesfahan.ir>